

تبارك الذى نزل الفرقان على عبده ليكون للعالمين نذيراً (فرقان / ۱)

◆ پیشگفتار

قرآن کریم تنها کتاب آسمانی است که باید تا آخر تاریخ راهنمای جامعه بشری باشد. بهره‌گیری اقوام و ملت‌های گوناگون از قرآن کریم با توجه به زبان‌های مختلفی که دارند متوقف بر فهم آنان از معارف قرآن است که جز از راه آشنایی با زبان عربی یا ترجمه قرآن به زبان‌های آنان میسر نیست.

گرچه معارف والا و قوانین حیات بخش قرآن و نیز پندها و حکمت‌های انسان‌ساز این کتاب آسمانی نقش اصلی اعجاز قرآن را ایفا می‌کنند و همین ویژگی‌های عمده موجب گرایش بسیاری از اندیشمندان تاریخ به قرآن و اسلام گشته است، اما نمی‌توان سهم آهنگ و وزن و آوای آیات قرآن را در جذب قلوب و تأثیرگذاری در دل‌ها نادیده گرفت. قرآن نه نظم است و نه نثر، بلکه سبکی است ابداعی میان نظم و نثر، که این خود یکی از جلوه‌های اعجاز قرآن به شمار می‌رود. آهنگ آیات سوره شمس ویژگی خاصی دارد و وزن آیات سوره فیل از وزن و آوای آیات سوره طارق متمایز است.

بدیهی است ترجمه آیات قرآن به صورت نثر خالص که فاقد ویژگی آوایی باشد، تا حدودی از جذابیت ترجمه و تأثیر آن در قلوب می‌کاهد. البته آرزوی پرواز مرغ هنر به سوی قلّه بلند آوای قرآن آرزوی خامی است که هرگز دسترسی به آن ممکن نیست، ولی در حد امکان می‌توان ترجمه آیات را با وزن و آوایی متناسب با وزن آیات یا محتوای آنها منعکس کرد که دارای جذبه و تأثیر عمیق‌تری باشد. لذا شایسته است هنرمندانی که از ذوق سرشار و

هنر سرودن شعر و نوشتن سجع برخوردارند، از ذوق و هنر خود بهره‌گیرند و تا حدی در انتقال ویژگی‌های هنری و فرهنگی قرآن به مسلمین سهیم باشند.

البته این رسالت در قرون اولیه صدر اسلام بیشتر مورد توجه قرآن‌شناسان و مترجمان قرآن بوده است، زیرا - چنان که بعداً خواهیم گفت - اولین ترجمه‌هایی که در قرن چهارم هجری از قرآن انجام شده غالباً ترجمه‌هایی آهنگین و موزون بوده است.

ذکر این نکته لازم است که ترجمه‌آوایی و منظوم در زبان غیر فارسی نیز کم و بیش انجام گرفته است که به عنوان نمونه می‌توان از ترجمه‌منظوم سندی، ترجمه‌منظوم هندی، ترجمه‌ترکی و ترجمه‌آوایی انگلیسی آرتور آربری نام برد. اما گوی سبقت را در این میدان، ایرانیان از دیگر ملل مسلمان ربوده و از قرن چهارم تا چهاردهم هجری آثاری را از خود به یادگار گذاشته‌اند. ما در این مقال به معرفی و نقد این ترجمه‌ها در دو فصل: ترجمه‌های آوایی و ترجمه‌های منظوم می‌پردازیم:

◆ فصل اول: ترجمه‌های آوایی

ترجمه‌آوایی ترجمه‌ای است که وزن و قافیۀ معینی ندارد اما نثر ساده هم نیست، بلکه جمله‌ها دارای آهنگی سازگار هستند و از آوای مشترکی پیروی می‌کنند که گاه در شعرنو تجلی می‌کند. این ترجمه‌ها عبارتند از:

◆ ۱. ترجمه‌ای آهنگین از دو جزء قرآن

در دهه‌های اخیر، هنگام تخریب بنای قدیمی کنار گنبد امام رضا(ع) از لای دیوار دو جزء از قرآن با ترجمه‌آهنگین پیدا شد که در ردیف اسناد کهن فن ترجمه‌قرآن و زبان فارسی قرار گرفت. مرحوم دکتر احمد علی رجایی بخارائی در سال ۱۳۵۰ این ترجمه را تصحیح و چاپ کرد. مترجم که احتمالاً در قرن سوم هجری می‌زیسته سعی کرده است ترجمه‌ای مسجع و موزون از آیات قرآن عرضه کند و تا حدودی موفق شده است. این موفقیت هنگامی قابل تصدیق می‌شود که بدانیم وی در عصری دست به این‌گونه نگارش زده که هنوز آثار ارزشمندی که بعدها جزو شاهکارهای نظم و نثر فارسی به شمار آمد، تألیف نشده بود. دکتر رجایی که در مقدمه همین کتاب تلاش وافر کرده که غنای زبان فارسی سه

قرن اول اسلام و قبل از اسلام را اثبات کند، جز استشهاد به تک بیت‌هایی متفرق و مشکوک، سندی دیگر نیافته است.

◆ خصوصیات این ترجمه

۱. این ترجمه حدود دو جزء از قرآن از آیه ۶۱ سوره یونس تا آخر آن و سوره‌های هود، یوسف، رعد و سوره ابراهیم تا آیه ۲۵ را در بردارد و می‌توان حدس زد که بقیه آن هم انجام گرفته و موجود بوده و به تدریج مفقود شده است.
۲. ترجمه هر یک یا دو جمله، پس از متن عربی آیه و به دنبال آن نوشته شده است.
۳. ترجمه نه تحت اللفظی دقیق است و نه توضیحی و تفسیرگونه، بلکه نوعی ترجمه آزاد است؛ اما در همین سبک هم یکنواخت نیست، زیرا گاه ترجمه دقیق‌تر می‌شود و گاه آزادتر، و احياناً نظر مترجم با ترجمه عجین می‌گردد.
۴. دکتر رجایی درباره تاریخ این ترجمه چنین می‌نگارد:

«زمان این ترجمه با توجه به لغات بسیار کهن متن و طرز جمله‌بندی و علائم نسخه‌شناسی چون خط و کاغذ و شیوه نگارش، به گمان اینجانب اواخر قرن سوم یا اوایل قرن چهارم هجری است و در این روزگار ان راه شعر عروضی فارسی هنوز هموار نشده بوده است.»

۵. مترجم و صاحب این اثر ارجمند شناخته نشده است؛ اما از متن ترجمه پیداست که فردی عالم و دقیق‌النظر بوده و به رغم این‌که از اولین مترجمان بوده، در ترجمه‌اش غلط‌محتوایی به چشم نمی‌خورد. نمونه‌هایی از این ترجمه آهنگین:

وقال فرعون ائتونی بكل ساحرٍ علیم

فرعون گفت: بر من آرید
جادو استاد هر چند توانید

فلما جاء السحرة قال لهم موسى القوا ما انتم ملقون

چو استادان حاضر گشتند

۱. پلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی در قرون اول هجری، ترجمه‌ای آهنگین از دو جزء قرآن مجید، دکتر احمدعلی رجایی، ص ۳۷.

موسی گفت: یک بار برهانی

فلما القوا قال موسى ما جئتم به السحر ان الله

چو ایشان آن را یکسر بنهادند
موسی گفت: کنون بینی که الله

سيبطله ان الله لا يصلح عمل المفسدين^۱

این را چون حبطه گرداند
ز الله شما یاری نیاوی.

□

فلما جاء امرنا جعلنا عاليها سافلها

فرمانم را وقت در رسید
دما را از آن شهر برآمد

وامطرنا عليها حجارة من سجيل منضود

هر جای که بُدند یکی از ایشان
سنگی چو خشت بر سر آمد
خانمهاشان زیر و زبر آمد
آن خاکساران وان نگوساران
کردیم همه را ما سنگ باران

بر هر سنگی خطها کشیده
پیوسته شده بامر رحمن

وما هي من الظالمين ببعيد^۲

این شومی و این عذاب هر دو
بس دور مدار ازین پلیدان

□

۱. سوره یونس، آیات ۷۹ تا ۸۱

۲. سوره هود، آیه ۸۲ و ۸۳

و الی مدین اخاهم شعیباً

پیغام دادیم باهل مدین
برادرشان شعیب ما را

قال یا قوم اعبدوا الله ما لکم من اله غیره

گفتا: جمله بدو بگروید
معبود مگوی بجز خدای را

ولا تنقصوا المکیال والمیزان انی اریکم بخیر

مسنجید کم و کم میماید
من می بینم نعمت شما را

و انی اخاف علیکم عذاب یوم محیط

زان روز بزرگ می ترسم
که خصمان در گیرند گرد شما را

فلما سمعت بمکرهن ارسلت الیهن واعتدت لهن متکاً

زلیخا چو شنید حدیث ایشان
ببھانہ آن ضیافتی ساخت
ایشان را خود مهمان خواند
در آن مهمانی تکلفی کرد
مرایشان را خود دستها اوکند

واتت کل واحدة منهن سکینا

از میوه تر مجلس آراست
مر هر یک را کارد فرادست داد
تقوی یوسف معلوم می کرد

وقالت اخرج علیهن فلما رأینہ اکبرنہ

آوازش داد برو بیرون شو
تا یک یک زن در اونگه کرد

وقطعن ایدیهن

چندانی بود کاو را بدیدند
آن هیبت او نیک اثر کرد

وقلن حاش لله ما هذا بشراً

دست ببردند خبر نبیشان
حاشا لله گر او گناه کرد

ان هذا الا ملك كريم

فساد از او صورت نبندد
فریشته می نامش باید نظر کرد^۱

◆ ۲. متنی پارسی از قرن چهارم هجری

این ترجمه نیز که اصل آن در گنجینه قرآن‌های نفیس آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود به همت مرحوم دکتر رجایی با همین نام توسط انتشارات آستان قدس چاپ شده است. ظاهراً تدوین این ترجمه پس از نگارش ترجمه تفسیر طبری بوده، زیرا عبارات و مطالب برگرفته از آن تفسیر است. اما امتیازی که بر آن دارد موفقیت نسبی در ایجاد سجع و آهنگ در ترجمه برخی آیات است. گرچه شاید نتوان موفقیت مترجم را در آهنگ و سجع با سجع نویسان بعدی ترجمه قرآن مقایسه کرد، چرا که سجع آن تا حدودی ضعیف است، اما از باب «الفضل لمن تقدم» می‌توان وی را از پیش‌کسوتان ترجمه مسجع قرآن به شمار آورد.

دکتر سید حسن سادات ناصری در کتاب هزار سال تفسیر فارسی، از متن یاد شده ترجمه سوره‌های تکویر، طارق، لیل، زلزال، قارعه و انشراح را به عنوان نمونه ذکر کرده است. سوره انشراح به صورت زیر ترجمه شده است:

الم نشرح لك صدرک	نه فراخ گردانیدیم دل تو را؟
و وضعنا عنک وزرک	و فرو نهادیم از تو بار گران تو را
الذی انقض ظهرک	آنکه فرو شکست پشت تو را
و رفعنا لك ذرک	و بلند گردانیدیم تو را، نام تو را

۱. سوره یوسف، آیه ۳۱.

هر آینه با هر سختی آسانی است	فان مع العسر يسراً
با هر سختی آسانی است	ان مع العسر يسراً
چون بپردازى رنج بر دعا کردن	فاذا فرغت فانصب
و سوی خداوند خویش رغبت کن. ^۱	و الی ربك فارغب

◆ ۳. تفسیر نسفی

این تفسیر مختصر که در دو جلد چاپ شده، تألیف امام ابو حفص نجم الدین عمر بن محمد نسفی (۴۶۸-۵۳۸) است که در اوایل قرن ششم هجری تألیف شده و از تفاسیر کهن قرآن کریم است. این تفسیر گرانقدر حدود ۸ قرن در کتابخانه‌های شخصی محبوس بوده و جز معدود شخصیت‌هایی که نسخه‌هایی خطی از آن داشته‌اند کسی از آن بهره نمی‌برده است. در سال ۱۳۴۰ به همت دکتر عزیزالله جوینی در کتابخانه آستان قدس رضوی مورد شناسایی قرار گرفت و پس از تتبع و یافتن نسخه‌های دیگری از آن در کتابخانه‌های بزرگ ایران و دیگر کشورهای اسلامی، توسط ایشان تصحیح و به زیور طبع آراسته گشت و اخیراً توسط سازمان اوقاف و امور خیریه منتشر شده است.

◆ ویژگی‌های تفسیر نسفی

معرفی تمام ویژگی‌های تفسیر مزبور بحث گسترده‌ای را می‌طلبد که از حد این مقال بیرون است. ما در این جا برآنیم که تفسیر یاد شده را تنها از جنبه آوایی مورد بررسی قرار دهیم؛ از این رو به برخی از ویژگی‌های آن از این بُعد می‌پردازیم:

۱. ترجمه و تفسیر فارسی با نثری ادبی و زیبا تدوین شده و در همه عبارات آن به نوعی نکات و ظرایف ادبی به کار رفته است.
۲. مترجم در موارد بسیار، از سجع بهره جسته و پایان جملات را به پیروی از قرآن همگون کرده است. به نمونه‌های زیر بنگرید:

واضرب لهم مثلاً رجلین...

و پیداکن مر ایشان را داستان دو مرد که برادران بودند و از اسرائیلیان بودند یکی مؤمن

۱. هزار سال تفسیر فارسی، تألیف دکتر سید حسن سادات ناصری و منوچهر دانش پژوه، ص ۴۵؛ آوای قرآن، محمود صلواتی، ص ۲۳.

پیدا نام وی یهودا و یکی کافر منحوس نام وی قرطوس.

□

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هونا

و بندگان خاص خداوند آنهااند که می روند به زمین نرم و آهسته،

و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً

و چون خطاب کنند به ایشان نادانان، سخن خوب گویند و بایسته.

□

و هو الذي مرج البحرين
و وی آن خدایی است که روان کرد دو دریا را

هذا عذب فرات
این یکی خوش و گوارنده

وهذا ملح اجاج
و این یکی شور و طلخ (کذا) و گزنده

وجعل بينهما برزخاً
و کرد میان ایشان بازدارنده

وحجراً محجوراً^۲
و پرده پوشیده کرد بر هر بیننده.

□

بسم الله الرحمن الرحيم

تبت يدا ابي لهب وتب
زیان کار باد دو دست ابولهب و شده است زیان کار.

ما اغنى عنه ماله و ما كسب
سود نداشت مال وی و آنچه ورزید از فرزندان بسیار.

سيصلى ناراً ذات لهب
هر آینه درآید به آتش با افزازه و زنش با وی یار

وامراته حمالة الحطب
آن زموده گری نابکار و گویند آن برنده پشته خار و

افکنده بر راه رسول مختار

في جيدها حبل من مسد
در گردن وی رسانی از لیف تافته استوار از بهر این کار و

بردن این یار

و گویند: در گردن وی بُود آن سلسله که به وی می بندند در

دوزخ اعناق کفار.

۱. سورة فرقان، آیه ۶۳.

۲. سورة فرقان، آیه ۵۳.

◆ ۴. تفسیر کشف الأسرار و عُدّة الأبرار

مؤلف: ابوالفضل رشید الدین میبیدی، سال تألیف ۵۲۰ق.

مرحوم علی اصغر حکمت با کشف نسخه‌های خطی این تفسیر و اقدام به تصحیح آن، برای اولین بار در سال ۱۳۲۵ خدمت بزرگی به جهان اسلام کرد و این تفسیر را در ده جلد منتشر ساخت.

میبیدی خود در معرفی این تفسیر می‌گوید:

«تفسیر شیخ الاسلام ابی اسماعیل عبدالله بن محمد الانصاری را مطالعه نموده و چون آن را در نهایت ایجاز و غایت اختصار دیده به بسط و تفصیل آن همت بسته و در سال ۵۲۰ق این کتاب را تألیف نموده و آن را کشف الاسرار و عُدّة الأبرار نام نهادم.»

ظاهراً اصل تفسیر خواجه عبدالله در دسترس نیست و اگر تتبعی در مخازن خطی کتابخانه‌های بزرگ جهان از این کتاب صورت بگیرد دور نیست که نسخه یا نسخه‌هایی از آن یافته شود و از این رهگذر مشعلی نو فراراه مشتاقان قرآن و عرفان قرار گیرد. میبیدی در روش تدوین این تفسیر می‌نویسد:

«شرط ما در این کتاب آن است که مجلسها سازیم در آیات قرآن بر ولا، و در هر مجلس سه نوبت سخن گوئیم. اول: پارسی ظاهر بوجهی که هم اشارت به معنی دارد و هم در عبارت غایت ایجاز بود. دیگر نوبت، تفسیر گوئیم بر وجوه معانی و قرائات مشهور، و سبب نزول و بیان احکام و ذکر اخبار و آثار و نوادر که تعلق به آیت دارد و وجوه و نظایر و مایجری مجراه. سه دیگر نوبت، رموز عارفان و اشارات صوفیان، و لطائف مذکران.»

میبیدی نوبت‌های اول و دوم را تقریباً در همه آیات آورده اما نوبت ثالثه را تنها در برخی آیات مطرح کرده است. در مواردی که نوبت ثالثه را نیاورده، برداشت‌های عرفانی و پنندهای حکیمانه را لای مطالب نوبت دوم مطرح کرده است. گاه نیز در نوبت سوم کلمات مسجع خواجه عبدالله انصاری و اشعار سنایی و یا مطلبی از «پیر طریقت» آورده که درست مشخص نیست مقصود وی از پیر طریقت مرشدی خاص بوده و یا اشاره به شخص خودش دارد و یا این که پیری نا معلوم را در نظر گرفته و آنچه را شایسته است یک پیر بگوید از قول او نقل کرده است.

گرچه نثر ترجمه آیات در تفسیر مزبور نثری است ساده و آهنگ و سجع خاصی در آن به کار نرفته، اما وجود جملات فراوان آهنگین و مسجع در تفسیر و برداشت‌های حکمی و

عرفانی از آیات در سراسر مجلدات، می‌تواند این تفسیر را در زمره ترجمه و تفسیرهای مسجع و موزون قرآن قرار دهد.

◆ نمونه‌هایی از تعابیر آهنگین و مسجع تفسیر کشف الاسرار:

۱. قولوا آمنا بالله وما انزل إلینا...

النوبة الثالثة... فرمان خداوند عالم است، خداوندی سازنده، نوازنده، داننده، دارنده، بخشنده، پوشنده، دلگشای، رهنمای، سرآرای، مهرافزای، غالب فصل، ظاهر بذل، سابق مهر، دائم ستر، خداوند جهان، دانای آشکار و نهان، دائم به ثنای خود، قائم به سزای خود، نه افزود و نه کاست، همه آن بود که وی خواست...^۱

۲. یخرجهم من الظلمات الی النور

و لکن میدان که نه در هر صدفی بود گوهر، و نه در هر شاخی میوه و ثمر، و نه در هر چاهی یوسف دلبر، و نه بر هر کوهی موسی انور، و نه در هر غار احمد پیغمبر.^۲

۳. خدای را عز و جل هم فضل است و هم عدل. اگر عدل کند رواست، و فضل کند سزااست و نه هر چه در عدل رواست در فضل سزااست، که هر چه از فضل سزااست در عدل رواست.

یکی را به فضل خواند و حکم او را است یکی را به عدل راند و خواست او را است. نیک آن است که فضل بر عدل سالار است و عدل در دست فضل گرفتار است. عدل پیش فضل خاموش و فضل را حلقه وصال در گوش.^۳

◆ ۵. ترجمه آقای محمد مهدی فولادوند

ترجمه آقای فولادوند از بهترین ترجمه‌هایی است که در دهه‌های اخیر منتشر شده است، زیرا بین دقت در ضوابط ترجمه و انتقال دقیق معانی آیات و نیز زیبایی و سلیس بودن و روانی ترجمه جمع کرده است.

گرچه ترجمه ایشان نثر خالص است، اما جسته و گریخته قریحه ایشان شکوفا شده و

۱. کشف الاسرار، ۳۸۶/۱.

۲. همان، ۴۳۰/۱.

۳. همان، ۷۳/۱.

سجع و آهنگ از قلم ایشان نمودار شده است.

مترجم در مؤخره‌ای که بر ترجمه‌اش افزوده، اشاره‌ای به این مطلب کرده و از ترجمه آهنگین سوره حمد و توحید نام برده است. اما به نظر می‌رسد که در ترجمه همه آیات این دو سوره نتوانسته است سجع و وزن را منعکس کند. ایشان سوره حمد و توحید را این چنین ترجمه کرده است:

سوره حمد:

به نام خداوند رحمتگر مهربان
ستایش خدا را که پروردگار جهانیان
خداوند رحمتگر مهربان
مالك و پادشاه روز جزا است
تو را می‌پرستیم تنها و بس
بجز تو نجویم یاری ز کس
به راه راست ما را راهبر باش
راه آنانی که بر خوردارشان کرده‌ای، همانان که نه در خور خشم‌اند و نه گمگشتگان.

سوره توحید:

به نام خداوند رحمتگر مهربان
بگو او خدایی است یکتا،
خدای صمد،
نه کس را زاده،
نه زاییده از کس،
و او را هیچ همتایی نباشد.

گاه نیز آقای فولادوند توانسته است تک آیاتی را به صورت ترجمه مسجع منعکس

نماید، مانند:

یا ایشا المدثر	ای کشیده ردای شب بر سر
یا ایشا المزمّل	ای جامه به خویشتن فرو پیچیده

اقتربت الساعة وانشق القمر نزدیک شد قیامت و از هم شکافت ماه

یکی از ترجمه‌های بسیار موفق ایشان ترجمهٔ بخشی از سورهٔ تکویر است، بدین قرار:

اذا الشمس كورت	آنگاه که خورشید به هم در پیچد
واذا النجوم انكدرت	و آنگاه که ستارگان همی تیره شوند
واذا الجبال سيرت	و آنگاه که کوهها به رفتار آیند
واذا العشار عطلت	وقتی شتران ماده وانهاده شوند
واذا الوحوش حشرت	و آنگاه که وحوش را همی گرد آرند
واذا البحار سجرت	آنگاه که دریاها جوشان گردند
واذا النفوس زوجت	و آنگاه که جانها به هم در پیوندند
واذا الموؤدة سئلت	پرسند چو زان دخترک زنده به گور
بای ذنب قتلت	به کدامین گناه کشته شده است؟
واذا الصحف نشرت	و آنگاه که نامه‌ها ز هم بگشایند
واذا السماء كشطت	و آنگاه که آسمان ز جا کنده شود
واذا الجحيم سعرت	و آنگاه که جحیم را برافروزانند
واذا الجنة ازلفت	و آنگاه که بهشت را فرا پیش آرند
علمت نفس ما احضرت	هر نفس بداند چه فراهم دیده
فلا اقسم بالخنس	نه نه، سوگند به اختران گردان
الجوار الكنس	[کز دیده] نهان شوند و از نو آیند
والليل اذا عسعس	سوگند به شب چو پشت گرداند
والصبح اذا تنفس	سوگند به صبح چون دمیدن گیرد

ترجمهٔ بقیهٔ سوره غیر موزون است.

◆ ۶. آوای قرآن

(ترجمهٔ ۲ جزء آخر قرآن به صورت مسجع و موزون)

این ترجمه آهنگین که توسط آقای محمود صلواتی انجام گرفته و در سال ۱۳۷۲ توسط نشر تفکر قم منتشر شده احیای سبک موزون مترجمان کهن قرآن است که به شیوه‌ای نو نگارش یافته و شایسته ادامه است.
این ترجمه در بین دیگر ترجمه‌های آهنگین دارای دو امتیاز و چند نقیصه است.

◆ امتیازات

۱. دقت نسبی در صحت ترجمه و توجه مترجم به نکات ریز آیات. توجه به یک نمونه (ترجمه سوره زلزله) نشانگر این ویژگی است:

بسم الله الرحمن الرحيم

در آندم که لرزد زمین شگفت لرزه‌اش	اذا زلزلت الأرض زلزالها
و ریزد برون از زمین بارهاش	واخرجت الأرض أثقالها
و انسان بگوید: چه آمد سرش؟	وقال الانسان مآلها
در آن روز گوید زمین خبرهای خویش	يومئذ تحدث اخبارها
که پروردگارت بدو آگهی داده‌است	بان ربك اوحى لها
در آن روز مردم پراکنده سر برکشند که	يومئذ يصدر الناس اثنائاً
اعمالشان را نمایندشان	ليروا اعمالهم
پس آن کس که یک ذره نیکی نموده است آن را	فمن يعمل مثقال ذرة خيراً يره
ببیند	
و آن کس که یک ذره زشتی نموده است آن را	ومن يعمل مثقال ذرة شراً يره
ببیند.	

۲. میزان موفقیت مترجم در ایجاد سجع و وزن در ترجمه آیات بیش از دیگر مترجمان بوده است، زیرا مترجمان آوایی که قبلاً نامشان برده شد و نمونه‌هایی از ترجمه آنان ارائه گردید، تنها در بخش‌هایی محدود توانسته بودند سجع را در ترجمه منعکس کنند؛ برخلاف این ترجمه که در بیشتر سوره‌های دو جزء آخر آن سجع و وزن مطلوب ارائه شده است. نمونه‌هایی از آن را خواهیم دید.

◆ نقص‌ها

۱- عدم مطابقت کامل ترجمه با متن. به نمونه‌های زیر بنگرید:
الف. ما اغنی عنه ماله و ما کسب نه مال او بکار آمدش نه آنچه داشت.
 بهتر بود «کَسَبَ» که فعل ماضی است این‌گونه ترجمه می‌شد: (... نه آنچه را به دست آورد).

ب. الذین هم یرأون آنان که ریاکارند.

بهتر بود فعل «یرأون» به صورت مضارع (ریا می‌کنند) ترجمه می‌شد.

ج. حذف حروف و ادات عربی، مانند نادیده گرفتن حرف «ف» در:

فلیعبدوا ربّ هذا البیت بیاید آنکه صاحب این خانه را پرستند.

د. حذف حروف تأکید در ترجمه، مانند ترجمه نکردن نون تأکید ثقیله و لام تأکید در:

ثم لتسئلنّ یومئذ عن النعیم سپس در آن هنگام از نعمتها سؤال می‌گردید.

ه. اقرء باسم ربك الذی خلق بخوان بنام خدایت که در وجود دمید.

بهتر بود کلمه «خلق» ترجمه می‌شد به «آفرید»، زیرا خود «وجود» دم خداست که در ماهیات متصوره دمیده می‌شود، نه آن که وجود یک تحقق قبل از دمیدن داشته و خداوند در آن دمیده باشد.

۲- گاهی مترجم به جای ترجمه کلمه عربی به واژه فارسی، عین کلمه عربی را در ترجمه آورده که موجب ابهام شده است، مانند کلمه «کوثر» و «ابتر» در سوره کوثر که چنین ترجمه شده است:

همانا ما به تو بخشیده‌ایم کوثر... دشمن تو است بی‌گمان ابتر

۳- ناکامی در ایجاد سجع و وزن

مترجم گرچه کتاب خود را ترجمه موزون نامیده اما در تعدادی از سوره‌ها ناکام مانده و ترجمه‌اش فاقد سجع و وزن شده است، مانند ترجمه سوره عبس و سوره تکویر (که حتی برخی از مترجمان دیگر مانند آقای فولادوند در ایجاد سجع و وزن در آن موفق بوده‌اند) و سوره حمد. به عنوان نمونه، ترجمه ایشان از سوره حمد را ملاحظه کنید:

ستایش خدای راست پروردگار جهانیان

آن بخشاینده مهربان

خداوند روز جزا
تنها تو را می پرستیم و یاری از تو می جوئیم
ما را به راه راست هدایت کن
راه آنانکه نعمتشان دادی نه راه غضب شدگان و نه گمراهان.

در این جا برای این که اندکی از زیبایی های نثر موزون ترجمه مذکور را منعکس نموده
باشیم به نقل قسمتی از ترجمه سوره نبا می پردازیم:

عمّ یتسائلون	از چه می پرسند مردم؟
عن النبا العظیم	زان خبر بس بزرگ
الذی هم فیہ مختلفون	زان خبر که بر سرش دارند آنان اختلاف
کلا سیعلمون	هرگز، بزودی نیک می دانند
ثم کلا سیعلمون	باز هم هرگز، بزودی نیک می دانند
الم نجعل الأرض مهادا	آیا ما نگردانندیم زمین را همچو گهواره
والجبال اوتادا	و بر آن کوهها میخها
وخلقناکم ازواجاً	و شما را آفریدیم جفت
وجعلنا نومکم سباتاً	و گردانندیم خوابتان را مایه راحت
وجعلنا اللیل لباساً	و گردانندیم شب را بر شما پوشش
وجعلنا النهار معاشاً	و گردانندیم روز را وقت تلاش و کار
وبیننا فوقکم سبعاً شدادا	و بر بالایتان افراشتیم هفت آسمان محکم
وجعلنا سراجا وهاجا	و افروختیم چراغی سخت رخشنده
وانزلنا من المعصرات ماءً ثجاجاً	و از برهم فشردهها فرستادیم ما باران ریزنده
لنخرج به حیاً ونباتاً	که رویانیم با آن دانه و سبزه
وجنات الفافأ	و بستانهای در هم شاخه گسترده
ان یوم الفصل کان میقاتاً	همانا وعده گاه خلق در روز جداسازی است
یوم ینفخ فی الصور فتأتون افواجاً	همان روزی که در صور بردمند سپس فوج فوج
	آید

و از هم باز گردد آسمان، گردد همه درها	وفتحت السماء فکانت ابواباً
و کوه‌ها راه افتند و سراب مانند	وسیرت الجبال فکانت سراباً
جهنم در چنین روزی کمینگاه است	ان جهنم کانت مرصداً
برای سرکشان جای است...	للطاغین مأباً

◆ فصل دوم: ترجمه‌های منظوم ◆ ۱. تفسیر منظوم صفیعی شاه

تفسیر صفیعی شاه که شاید تنها تفسیر منظوم کامل قرآن باشد، در نوع خود بی‌نظیر است. این تفسیر دریای موجی است که غواصان حکمت و عرفان می‌توانند گوهرهای فراوانی از آن استخراج کنند. تعداد ابیات آن را اگر در هر صفحه به طور میانگین ۴۶ بیت محاسبه کنیم، حاصل ضرب آن در ۸۳۰ صفحه، حدود ۳۸,۱۸۰ بیت می‌شود.

مفسر و سراینده این تفسیر مرحوم میرزا حسن ملقب به صفیعی شاه، حدود ۱/۵ قرن قبل می‌زیسته و دارای تألیفات متعدد بوده است. از جمله تألیفات وی اسرار المعارف است که توسط انتشارات اقبال چاپ شده است. مرقد وی در خانقاه معروف واقع در خیابان صفیعی شاه نزدیک میدان بهارستان تهران است. او کل این ۳۸ هزار بیت را در ۲ سال سروده که شگفت‌انگیز است. او خود در این باره چنین می‌گوید:

شاید ارگویم سپاسش صبح و شام	نعمت خود بر صفی کرد او تمام
که به نظم این نامه آمد در دو سال	جز عنایات این نبود از ذوالجلال
یا گمان هیچکس از بخردان	کی مرا این بود هرگز در گمان
بل به عمری تا که لب بر جان رسد	که دو سال این نامه بر پایان رسد
در ششم سال ابتدا این نامه گشت	چون هزار و سیصد از هجرت گذشت
گشت ختم از عون رب العالمین	در هزار و سیصد و هشت اینچنین

بنابراین، کتاب را در ۱۳۰۶ق آغاز کرده و در ۱۳۰۸ق به پایان رسانده است.

◆ ویژگی‌های این تفسیر

۱. ترجمه آیات قرآن با نثر ساده و تحت اللفظی و نسبتاً دقیق نگاشته شده و زیر متن عربی آیات شریفه قرآن آمده است.

۲. مفسر پس از ذکر چند آیهٔ مربوط به هم و ترجمهٔ منشور آنها به ترجمهٔ منظوم آیات به صورت آزاد پرداخته و در لابه لای ترجمه، توضیحات تفسیری و تاریخی و شأن نزول آیات را آورده است. به عنوان نمونه به سروده‌های ذیل توجه کنید:

سورة نصر:

بسم الله الرحمن الرحيم

اذا جاء نصر الله والفتح

چونکه یاری کردن آید از خدا هم زمان فتح مکه بر شما

ورأيت الناس يدخلون في دين الله افواجا

چون ببینی مردمان در دین حق فوج فوج آیند هر روز از فرق وعدهٔ حق بر تو خواهد گشت راست نیست شک در آنچه معهود خدا است

فسبح بحمد ربك

پس تو کن تنزیه مقرون بر سپاس هر دم از پروردگارت بی قیاس

واستغفره انه كان توابا

هم کن آمرزش ز فضل او طلب که بود توبه پذیر از بنده رب

سورة زلزال:

بسم الله الرحمن الرحيم

اذا زلزلت الارض زلزالها

چونکه جنبانیده گردد این زمین باز جنبانیدن سخت از یقین

واخرجت الارض اثقالها

زانکه چون ارض از خود اندازد برون یعنی اموات و دفائن کان و گنج بارهای خود که دارد در کمون که بُد آنها موجب طغیان و رنج

وقال الانسان مالها

آدمی گوید در آن حال این زمین چیست او را که بجنبد اینچنین؟

يومئذ تحدث اخبارها

مر زمین آن روز آید در سخن هرچه هر کس کرده اندر پشت او بدهد اخبار از عملها تن به تن بازگوید بی تأمل مو به مو

اوستد از پرده بیرون رازها ماند از خجالت به کام آوازا

بان ربك اوحى لها

ارض آید پس به عرض حالها خود بان ربك اوحى لها

۳. صفیعلی شاه که شیعه دوازده امامی بوده، اعتقادش به امامت و عشقش به سید الاوصیاء امیرالمؤمنین (ع) و نیز خاتم الاوصیاء حضرت مهدی (عج) در موارد گوناگون تفسیر وی در خشندهگی خاصی دارد. وی گرچه در صدد تتبع کامل نبوده تا در تفسیر خود همه آیاتی را که به نحوی به امامت مربوط می شود مورد بحث قرار دهد، اما در دهها مورد از این گونه آیات، تفسیر آنها را بر اساس دیدگاه ولایی و شیعی به نظم آورده است، که تفسیر آیه اکمال دین و اتمام نعمت، دوام خلافت الهی حضرت آدم در امامان اهل بیت (ع) و حضرت مهدی (عج)، ایمان ابوطالب، تفسیر «فجعلہ نسباً و صهراً» به فاطمه (ع) و علی (ع)، بیان مصادیق «الذین انعم الله علیهم من النبیین والصدیقین والشهداء والصالحین»، انگشتر بخشیدن علی (ع) در رکوع، و موارد دیگر را می توان به عنوان نمونه نام برد. برای مثال، به ذکر دو نمونه اکتفا می شود:

۱. و من یطع الله والرسول فاولئك مع الذين انعم الله علیهم من النبیین والصدیقین والشهداء والصالحین وحسن اولئك رفیقاً (نساء / ۷۲).

برگزیده بر عباد این چار را
در حریم قرب دم ساز وی اند
دیده ز اشیا سر سلطان وجود
در ره او داده جان و مال خویش
کرده واحد هم خود در طاعتش
هم ز صدیقین مرادش حیدر است
جامعند این دو در اوصاف فرق
خاصه بحری کوز گوهرهاست پر
برده چشم دو بین را پاره کن
هر نبی و هر ولی را نور عین

کرده حق بر چهار قسم اختیار را
انبیا که محرم راز وی اند
صادقان اهل عیان اند و شهود
وان شهیدان رسته از آمال خویش
صالحان بر پاس امر حضرتش
از نبیین قصد او پیغمبر است
گر به لفظ جمعشان بستوده حق
بحر گویی کافی است از ذکر دُر
یک علی گو کار خود یکباره کن
از شهیدان شد اشارت بر حسین

صالحان اولاد او تا خاتم‌اند
هر زمانی را ولیی لازم است
صد چراغ از شمع واحد روشن‌اند
می‌توانی کز چراغی صد چراغ
شرط نقلش لیک باشد اشتعال
اشتعال آن اتصال است از ولی
بر وجوب لطف از حق دائمند
وین ولایت در مدار قائم است
جمله یک نورند گرچه صد تن‌اند
بر فروزی در سرا و دشت و باغ
بی ز شعله نیست ممکن انتقال
همچنین تا اصل آن ذات العلی^۱

۲. قلنا اهبطوا منها جميعاً فإنا يأتينكم منى هدى فمن تبع هداى... (بقره / ۳۷)

بشنو از قلنا اهبطوا راز دگر
شد خلیفه بر زمین یعنی که شاه
همچنین یابند از دنبال او
هست هر دور این خلافت مستقل
دور دور مهدی است و طور او
ای هدایت پیشگان گر قابلید
ای خلیفه‌زادگان گر آگهید
غیبت او غیبت جان در تن است
جنش اعضا دلیل آن بود
تا خدا هادی است مهدی نایب است
مهدی آخر زمان خود احمد است
ز آدم اول که قطب عالم است
بود آدم مهدی و هم خاتم او
همچنین تا این زمانی کآخر است
آنکه اعلی رتبه باشد در مقام
صاحب فرق از پس جمع است او
از خطاب اهبطوا بر خاکیان
یافت چنگ بوالبشر راز دگر
در زمین تا باشد او غوث و پناه
این خلافت اهل بیت و آل او
تا به مهدی کو است اکنون شاه دل
می‌کند گردش فلک بر دور او
در فدای مهدی صاحب‌دلید
بر فلک در دوره مهدی مهید
اندر این غیبت ظهور ذوالمن است
کاین بدن در اهتزاز جان بود
وز عیان بی حضور آن غایب است
دورها دائر به وی تا سرمد است
تا هنوز او آدم است و خاتم است
از محمد متصل تا آدم او
دوره او قائم است و دائر است
هست در هر دوره‌ای شاه و امام
رهروان را در زمین شمع است او
رهبر است و قبله افلاکیان

۴. بارزترین خصیصه تفسیر مزبور اشتغال آن بر پند و اندرزهای اخلاقی برگرفته از آیات قرآنی و نیز تحلیل‌های فلسفی و حکمی تعداد زیادی از آیات ربانی و نیز برداشت‌های عرفانی و عرضه جذبات عاشقانه به بهانه آیات عبادی است که مطالعه آنها نه تنها موجب تأثیر پذیری نفس انسان از مواعظ قرآنیه اوست بلکه با وزیدن نسیم عشق الهی روح انسانی را سرمست حب ربانی کرده و نشاطی به خواننده می‌بخشد که سبکی روحش را از وابستگی تعلقات مادی احساس می‌کند.

اکنون شایسته است نمونه‌ای چند از سروده‌های تفسیری و حکمت‌آمیز او عرضه گردد:

◆ ۱. سوره توحید

بسم الله الرحمن الرحيم، قل هو الله احد، الله الصمد، لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً احد.

گفته‌اند ارباب تحقیق و خرد	ذات بحت و بود محض است آن احد
فرد و مطلق از خصوص و از عموم	وز عروض و لاعروض و هر رسوم
مطلق است اعنی ز قید خاص و عام	نه بود وصف و نشان او را نه نام
جمله ز او آثار کثرت منتفی است	در حجاب لاتعین مختفی است

◆ ۲. سوره انشراح

بسم الله الرحمن الرحيم، الم نشرح لك صدرك، ووضعنا عنك وزرك، الذي انقض ظهرك ورفعنا لك ذكرك، فان مع العسر يسراً، ان مع العسر يسراً، فاذا فرغت فانصب، والى ربك فارغب.

مانبگشادیم آیا سینه‌ات	تا نباشد منکدر آئینه‌ات
بر گرفتیم از تو آن بار گران	که شکسته بود پشتت را خود آن
عارفان گویند کز جمع وصال	باز گشتن سوی فرق و انفصال
بس گران باشد به ارباب بصر	دل شود از چشم سوزن تنگ‌تر
پس چو برگشت او در این کون و شهود	بود بر وی سخت بس ضبط حدود
حق مساوی کرد فرق و جمع او	تا نباشد تنگ او را قلب و خو
آنکه بر دوشش زهجران بود بار	سهل کرد از بهر فرقتش کردگار
همچو آمد احمد شیرین نفس	سوی فرق از جمع «او ادنی» سپس

دید حاضر شاه جان اندر دل است در مقام فرق جمعش حاصل است
 وحدت اندر کثرت این است ای فقیر و این است مخصوص ولی دستگیر
 مصطفی را گر نبود اینگونه حال زیستن در دار تن بودش محال
 «ووضعنا عنك وزرك» باشد این هیچ اگر دانی مقام واصلین

◆ تصوف

صفیعلی شاه به دلیل انتحال به تصوف و طریقت شاه نعمت الله ولی و گرایش شدید صوفیانه، اندیشه‌های صوفیگرایانه را نیز در موارد متعددی از تفسیر منظوم خویش ابراز کرده است. مطرح شدن موضوعات فلسفی در این تفسیر از قبیل: وحدت وجود، تعدد عوالم، قوس نزول و صعود، منازل تکامل سالک، مقام جمع و فرق، جایگاه خلیفه الله در ولایت تکوینی، تجلیات ذات، وحدت در کثرت و بالعکس، اطلاق ذات حق از تقید و حتی قید اطلاق، مقام لاتعین، ذات بحت و وجود محض بودن خداوند و تجرد آن از رسم و عرض و ماهیت، عشق مبدأ گرای فطری انسان و امثال آن نشانگر سعه دانش فلسفی و عرفانی وی است.

وی یکی از شاگردان رحمتعلی شاه عارف متصوف و بزرگ‌ترین قطب طریقت شاه نعمت‌اللهی قرن ۱۳ بود. پس از رحلت رحمتعلی شاه سه نفر از بزرگ‌ترین شاگردانش به نام‌های: نورعلیشاه، صفیعلی شاه و ذوالریاستین رهبری طریقت را هرکدام در منطقه‌ای به عهده گرفتند. نورعلیشاه مؤسس سلسله طریقت گنابادیه شد و در بیدخت گناباد در استان خراسان سکونت گزید و تفسیر عالمانه و عارفانه‌ای را تألیف کرد که عده‌ای از متأخرین و عارفان از تفسیر او بهره بردند. پس از درگذشت وی جنازه‌اش در خانقاه بزرگ بیدخت دفن شد و بر مزارش گنبد و بارگاهی عظیم بنا کردند. نسل وی یکی پس از دیگری رهبری طریقت او را به عهده گرفتند و در حال حاضر دکتر نورعلی تابنده گنابادی منصب پیر طریقت گناباد را به عهده دارد.

صفیعلی شاه نیز پس از سال‌ها دستگیری سالکان در همان خانقاه خویش دفن شد و ظهیرالدوله داماد ناصرالدین شاه تا مدتی خلافت او را بر عهده داشت و اکنون اطلاعی از

دودمان وی در دست نیست.

دو نمونه از تفسیر صوفیانه وی را می‌توان در ابیات زیر ملاحظه کرد:

◆ ۱. تبعیت از پیر طریقت جایگزین قرآن و سنت

یا اطاعت کن زپیری با مقام در هدایت خالص از حق بل اخص گفته‌ایم از پیش و هم گوییم باز با خلائق شفق و رفقش بیشمار وز متاع و ملک دنیا رسته‌تر جود و ایثارش فزون از مردمان با کسی او را به دل نبود عناد روز نو خواهد ز حق روز نوی وز مقام فرق تا جمع وجود والی امت ولی حیدر است بس خطا باشد عمل بر عقل و نقل بر کتاب حق عمل کن هر چه هست زانکه شد همدست پیغمبر کتاب هر چه باشد از حرام و از حلال وز شرایع آنچه باشد ماحصل لیک حق جو راه او بر منزل است ^۱	یا عمل کن بر کتاب حق تمام پیری آنکو راه دان باشد به نص ش شرطها او راست اندر امتیاز عالم و عاقل خلیق و بردبار بر خدا از هر کسی پیوسته‌تر قانع و خاضع مجیب و مهربان کشته باشد نفس دون را در جهاد بر ذخیره نهد از دنیا جوی آگه است از راه و منزل با شهود اینچنین کس نایب پیغمبر است با وجود آن ولی در نزد عقل ور که پیری اینچنین ناری به دست تا نماید حق تو را راه صواب هست درج اندر کتاب ذوالجلال وز عقاید وز عبادات و عمل گرچه در تکلیف این بس مشکل است
---	---

◆ ۲. دانستن جایگاه ویژه برای سلمان فارسی و اویس قرنی

یکی دیگر از ویژگی‌های این تفسیر آن است که بعضی از صحابه را در هدایت عرفانی به سوی کمال مطلق در عرض پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام به شمار آورده است. او در ذیل آیه «و یقولون سبعة ثامنهم کلیمهم» تجلیات سبعة را یک جریان مستمر می‌داند و

۱. ذیل سوره اعراف، آیه ۳۶، ص ۲۳۶.

می‌نویسد:

در زمان احمد کامل صفات	سبعه بودند ار که داری التفات
احمد و حیدر حسین و هم حسن	باز سلمان و اویس ممتحن
دیگر آن مهدی که دانی قائمش	هم در ادوار ولایت دائمش ^۱

◆ ۲. قلب قرآن یا پیشی منظوم

این کتاب که ترجمه تعدادی از سوره‌های قرآن است تألیف دکتر جلال ربّانی فر است که آیه الله سید مهدی عبادی امام جمعه محترم مشهد بر آن تقریظ نوشته و در سال ۱۳۷۵ در ۱۴۰ صفحه منتشر شده است.

اولین و مهم‌ترین سوره‌ای که در آن به صورت منظوم ترجمه شده سوره «یس» است که به همین مناسبت کتاب به «قلب قرآن» نام گرفته است. بقیه کتاب شامل ترجمه منظوم چند سوره دیگر است که عبارتند از: حمد، فلق، ناس، کافرون، نصر، نبأ، نازعات، زلزات، عادیات، قارعه، تکاثر، عصر، همزه، علق، فیل، قریش، کوثر، ماعون و مسد.

اشعارد در وزن «مثنوی» سروده شده است که جذابیت خاصی دارد و از صبغه مذهبی برخوردار است. گرچه شاید بتوان به دلیل تقدم زمانی نشر این ترجمه بر ترجمه منظوم آقای امید مجد آن را اولین ترجمه منظوم (خالص و بدون تفسیر) بخشی از قرآن شمرد، و شاید به همین جهت جناب آیه الله عبادی تقریظی بر آن نوشته‌اند، اما از نظر فن ترجمه دارای نقایص فراوانی است. شاید بهتر باشد که بگوییم مترجم محترم قصد ترجمه فنی را نداشته و این اشعار در مقام ترجمه دقیق آیات قرآن کریم نیست، بلکه نیت سراینده محترم آن بوده که مضمون و مفاهیم آیات را به زیور نظم بیاراید؛ از این رو حذف کلمات معادل و توضیح فراوان در این ترجمه به چشم می‌خورد.

اکنون به عنوان نمونه به ترجمه دو سوره معروف حمد و توحید و نیز بخشی از ترجمه منظوم سوره یس (قلب قرآن) که هدف اصلی مترجم محترم بوده است نظر می‌افکنیم.

◆ سوره حمد

بود آغاز هر گفتار هر کار	به نام مهربان بخشنده دادار
سپاس او را که نیک و مهربان است	یگانه خالق هر دو جهان است
بود از بخشش و از مهر سرشار	برای بندگانش بهترین یار
خدای روز پاداش و جزا اوست	به هر دردی حکیم و هم دوا اوست
خداوند ا بکن بر ما نگاهی	که ما را نیست جز سوی تو راهی
پرستیدن سزاوار تو تنهاست	کمک ما از توجویم و ره راست
به راه راست ما را رهبری کن	ز پستی و ز گناهانم ببری کن
مرا بنما ره آزادگانی	که غافل نیستند از تو زمانی
ره آنان ره خیر و صلاح است	ره آزادی و راه فلاح است
نخواهم من ره آن روسیاهان	که آلودند خود را با گناهان
تو این نامردمان لایق ندانی	به خشم از آستان خود برانی

◆ اشکالات

۱. افزودن مطالب توضیحی بر مدلول آیات به نام ترجمه، که با حروف سیاه مشخص شده است.
۲. نادرست ترجمه کردن بعضی واژه‌ها، مانند ترجمه «رب العالمین» به خالق، ترجمه «انعمت علیهم» به «آزادگانی که از تو غافل نیستند» و ترجمه «ضالین» به روسیاهان.
۳. ترجمه نکردن برخی واژه‌ها، مانند: «الله» در آیه اول و «مغضوب علیهم» در آیه هفتم.
۴. تبدیل فعل متکلم مع الغیر به متکلم و حده در ترجمه «اهدنا الصراط المستقیم».

◆ سوره توحید

بود آغاز هر گفتار و هر کار	به نام مهربان بخشنده دادار
تو ای پیغمبر محبوب اسلام	بگو از سوی ما بر خلق پیغام
بگو یکتا و بی‌همتا است یزدان	خدایی نیست غیر از رب سبحان
خدا از هر چه گویی بی‌نیاز است	که او آگاه از هر رمز و راز است
خدا کو خالق انسان و دنیا است	ز فرزند و ز زاییدن مبرا است

هم او زاییده از مام دگر نیست
 یگانه باشد و یکتا خداوند
 بشر را آفرید و از بشر نیست
 ندارد ذات حق همتا و مانند

◆ اشکالات

۱. افزودن توضیحات در ترجمه، که با حروف سیاه مشخص شده است.
۲. ترجمه «الله» به یزدان صحیح نیست، زیرا «الله» اسم خاص است و یزدان به خدای خیر ثنوی ها و زردشتی ها اطلاق می شود.
۳. تکرار غیر لازم به منظور تکمیل شعر و ضرورت شعری، مانند: خدایی نیست غیر از رب سبحان؛ ز فرزند و ز زاییدن مبراست؛ یگانه باشد و یکتا خداوند؛ همتا و مانند.

◆ سوره یس

بکن این خفتگان بیدار از خواب تویی مأمور از سوی خداوند که سرشار است از پند معانی چو والاتر ز تو هرگز ندیدیم پذیرا شو در این ره هر خطر را که هر مشکل به دست اوست آسان به جمله رازها آگاه و داناست برای بستدگانش بهترین یار	محمد ای امین ملک اعراب به قرآن و بر این آیات سوگند قسم بر این کتاب آسمانی تو را از مردمان ما برگزیدیم به راه حق هدایت کن بشر را بود قرآن ز سوی رب سبحان خدایی که به هر کاری تواناست خدا باشد ز لطف و مهر سرشار
هدایت کن تو فرزندان آنان ز دنیاشان نباشد هیچ حاصل گنهکارند تا پایان دوران	پدرها بی خبر بودند و نادان همانا این سیه رویان غافل دل آنان ندارد نور ایمان

◆ اشکالات

- الف. جزء دوم در «انک لمن المرسلین * علی صراط مستقیم» خبر بعد از خبر و خبر «انک» است و صفت پیامبر، نه آن که امر به هدایت به سوی صراط مستقیم باشد.

ب. در آیه «لتنذر قوماً ما أنذر أبأوهم فهم غافلون» مرجع «فهم»، چنان که اکثر مفسرین گفته‌اند، قوم معاصر و مخاطب پیامبرند نه پدران آنان، به دلیل این که جمله اسمیه دلالت بر اسناد در زمان گفتار دارد.

ج. مدلول اصلی آیه «لقد حق القول علی اکثرهم فهم لایؤمنون» اعلان اتمام حجت بر آنان است که ایمان نیاوردنشان از روی عناد است. ترجمه اصلاً متعرض این مطلب نشده است.

د. بیت‌های سوم و چهارم تکرار مفاد بیت دوم است.

ه. توضیحات اضافی فراوان.

◆ ۳. ترجمه منظوم کامل قرآن یا ترجمه امید مجد

این ترجمه که اولین ترجمه منظوم کامل قرآن مجید به زبان فارسی است، توسط شاعر جوان ۲۷ ساله معاصر آقای امید مجد به نظم درآمده که در نوع خود بی نظیر و قابل تقدیر است. مترجم محترم این مجموعه را که حدود ۱۸۰۰۰ بیت است در طول ۳۰۰ روز سروده است. این سرعت عمل نشانگر طبع روان نامبرده است.

◆ ویژگی‌ها

ترجمه مزبور دارای چند ویژگی مثبت و قابل توجه به شرح زیر است:

۱. اشعار نسبتاً روان است و کمتر دچار پیچیدگی و نارسایی تعبیر شده است.

۲. ایجاز و اختصار تا حدود زیادی رعایت شده است، به گونه‌ای که تقریباً هر ۱۵ سطر عربی قرآن در ۳۰ بیت ترجمه شده است. البته این توانایی در جای جای قرآن نوسان دارد، زیرا گاهی همان ۱۵ سطر عربی در ۳۳ بیت (مانند صفحه ۱۴۹) و گاه در ۱۹ بیت (مانند صفحه ۱۹۰) ترجمه شده است.

۳. وزن اشعار منطبق با وزن اشعار شاهنامه فردوسی، یعنی (فعولن فعولن فعولن فعول) است که برای ایرانیان وزنی مأنوس به شمار می‌رود.

۴. مبنای علمی این ترجمه منظوم، دو ترجمه فارسی از بهترین و متقن‌ترین ترجمه‌های فارسی قرآن یعنی ترجمه آقایان فولادوند و خرمشاهی است که تا حدودی از اشتباهات محتوایی آن می‌کاهد. اما نباید این مطلب را نادیده گرفت که مترجم در بسیاری از موارد

توضیحاتی آورده است که در دو ترجمه یاد شده نیست.

۵. مترجم محترم در سوره‌هایی که دارای آیات کوتاه است سعی کرده است تا حد توان هر آیه را در یک بیت ترجمه کند. ترجمه اکثر آیات سوره‌های شعراء، صافات، قیامت، انسان و واقعه از این قبیل است.

۶. مترجم در برخی موارد توانسته است ایجاز را به حدّ اعلا برساند؛ مثلاً سوره دو سطری توحید را با چهار آیه آن در دو بیت ترجمه کرده و هر آیه را در یک مصراع آورده است، بنگرید:

بگو او خدائی است یکتا و بس	که هرگز ندارد نیازی به کس
نه زاده نه زائیده شد آن اله	ندارد شریکی خدا هیچگاه
و نیز سوره سه سطری «الناس» را با شش آیه آن در سه بیت بدین گونه ترجمه کرده است:	
بگو می‌برم سوی ربّی پناه	که خلق جهان را است شاه و اله
ز شیطان خناس کز مکر و شرّ	کند و سوسه قلبهای بشر
کند و سوسه قلبها هر دمی	چه از جن بود او چه از آدمی

◆ ضعف‌های موجود در ترجمه

می‌توان ضعف‌های موجود در این ترجمه را به شکل زیر دسته‌بندی کرد و برای هر یک نمونه‌هایی ارائه داد:

۱. افزوده‌های توضیحی غیر لازم و گاه بی ربط و قراردادن آنها در میان دو گیومه، مانند ترجمه سوره انشراح:

نه آیا تو را سینه بگشاده‌ایم «ز زنگارها جمله پالوده‌ایم»

تو می‌باش مشتاق پروردگار «میندیش از مردم نابکار»

چنان که ملاحظه می‌کنید، مصراع دوم این دو بیت نه تنها توضیح متن آیات نیست که هیچ‌گونه ارتباطی هم بین آنها و مضمون آیات وجود ندارد.

۲. افزوده‌های بدون دلیل و قراردادن آنها در متن ترجمه، در حالی که حتی نقش توضیح مضمون آیه را ندارند، مانند کلمه تگرگ در ترجمه آیه شریفه:

او کصیب من السماء فيه ظلمات ورعد وبرق يجعلون اصابعهم....

بلی کافران را مرام و خصال همانند این است اندر مثال
 که در زیر بارانی از آسمان که بارد به تاریک جا بی‌امان
 به جایی که رعدست و برق و تگرگ ز ترس صواعق ز اندوه مرگ
 ۳. حذف بعضی کلمات و قیود و حتی بعضی جمله‌ها در ترجمه، مانند:

الف. آیه شریفه ۲۳ بقره: وان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا بسورة من مثله و ادعوا شهداءکم من دون الله ان کنتم صادقین. این آیه چنین ترجمه شده است:

شما را اگر هست در دل گمان بیارید یک سوره مانند آن
 گواهان بخوانید غیر از خدا بخوانید آنکه یکایک فرا

جمله «مما نزلنا علی عبدنا» و جمله «ان کنتم صادقین» اصلاً ترجمه نشده است.
 ب. آیه شریفه ۲۵ بقره: كلما رزقوا منها من ثمرة رزقا قالوا هذا الذي رزقنا من قبل وأتوا به متشابهاً ولهم فيها ازواج مطهرة... که این گونه ترجمه شده است:

چو گردند از میوه‌اش بهره‌مند بدینسان ندای سخن در دهند
 که این میوه‌هایی که اکنون به کام بیابیم در باغ جنت مدام
 بود میوه‌هایی که خود سهم ما از این پیش بودی به دارالفنا
 بر آن مردم مؤمن خوش سرشت بود پاک ازواج اندر بهشت

مترجم محترم جمله «وأتوا به متشابهاً» را ترجمه نکرده است. این جمله ترجمه‌اش این است: رزق همانند و گوناگون برایشان آورده می‌شود.

۴. اغلاط محتوایی:

این نقص مهم‌تر از نواقص قبلی است و حتی مترجمان نثر نویس نیز کمتر از آن نجات یافته‌اند و تحفظ از آن علاوه بر تضلع علمی و ادبی و تسلط بر معارف قرآنی نیازمند امداد ربانی است. اکنون به نمونه‌هایی از این اغلاط که با ملاحظه چند صفحه از ترجمه به آن دست یافتیم بنگرید:

الف. فلا تجعلوا الله انداداً وانتم تعلمون

مبادا کسی را همانند او بخوانید کاین کار نبود نکو
اگر چه بدانید آن لایزال نه مانند دارد نه مثل مثال

برگردان جملهٔ حالیهٔ «وانتم تعلمون» به «اگر چه بدانید» که مفاد آن وصلیه است عکس نمودن مدلول آیه است، زیرا مفاد آن وصلیه صدور حکم و تسریهٔ آن است به ضعیف‌ترین حالات؛ مثلاً وقتی گفته می‌شود: «به هیچ انسانی تهمت نزنید اگر چه به شما ظلم کرده باشد» معنای جمله آن است که گرچه در صورت وقوع ظلم از ناحیهٔ متهم، انسان تا حدودی خود را در تهمت زدن ذی حق می‌بیند و آن را یک نوع انتقام و قصاص می‌پندارد اما باز هم نهی از تهمت توصیه می‌شود.

در آیه شریفه مفاد جملهٔ حالیهٔ «وانتم تعلمون» بیان شدیدترین و بارزترین حالات برای صدور حکم است و معنایش آن است که شما با این که علم و آگاهی به وحدانیت و یگانگی خداوند دارید، قرارداد شریک برای او، زشت‌ترین عمل است. به عبارت دیگر، حکم در آن وصلیه به صورت ضعیف اثبات می‌شود و در جملهٔ حالیهٔ فوق به صورت شدیدترین نوع آن.

ب. الذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه ویقطعون ما امر الله به ان یوصل... (بقره / ۲۷)

کسانی که بر طینت ناروا گسستند فرمان یکتا خدا

دقت در آیه نشان می‌دهد که آنچه گسسته و قطع شده است خود «امر» و «فرمان» خدا نیست، بلکه آن پیوندهایی است که فرمان خدا به وصل آنها تعلق گرفته است. و لذا در تفسیر مجمع البیان و دیگر تفاسیر مصداق‌هایی که برای آن گفته‌اند عبارت است از: صلة النبی (ص) - صلة المؤمنین - صلة الرحم - صلة الأیمان بالعمل - کل من امر الله بصلته من اولیائه.

ج. هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً ثم استوی الی السماء فسویهن سبع سموات...

(بقره / ۲۹)

پس از آن نظر کرد بر آسمان برافراشت هفت آسمان ناگهان

علاوه بر این که ترجمهٔ «استوی السماء» به «نظر کرد بر آسمان» خود محل تأمل است و بهتر بود که به «به آسمان پرداخت» ترجمه می‌شد، کلمهٔ «ناگهان» که نشانهٔ دفعی بودن خلقت هفت آسمان است دقیقاً خارج از مدلول آیه بلکه خلاف مدلول دیگر آیات قرآن در زمینه خلقت آسمان است، زیرا خداوند در سورهٔ فرقان تصریح می‌کند که آسمان‌های هفتگانه و

زمین را در شش روز آفریده است: **الذی خلق السموات والأرض وما بینهما فی ستة ايام**
(فرقان/۵۹)

د. واقیموا الصلوة واتوا الزکوة وارکعوا مع الراكعین...

به همراه مردان ایزدشناس بدارید حق را ثنا و سپاس
ترجمه «راکعین» به «ایزد شناس» ترجمه صحیحی نیست، زیرا مراد آیه شریفه طبق نظر
اکثر مفسران توصیه به شرکت در نماز جماعت است.

ه. و استعینوا بالصبر والصلوة وانها لکبیرة الا علی الخاشعین (بقره/۴۵)

همانا از آن ایزد بی نیاز بجوئید یاری به صبر و صلوة
که کاری است دشوار جز بر کسی که همواره ترسد ز ایزد بسی
اولاً: ظاهر بیت دوم رجوع ضمیر «وانها لکبیرة» به «استعانت» است، و حال آن که صاحب
تفسیر المیزان و صاحب مجمع البیان و بسیاری از دیگر مفسران مرجع ضمیر را «صلوة»
دانسته‌اند، چنان که این نظر با کلمه خاشعین سازگارتر است.

ثانیاً: «خشوع» به معنی فروتنی و تواضع همراه با احترام و تکریم است؛ چنان که آقای
فولادوند و عده‌ای از مترجمان، «خاشعین» را به «فروتان» ترجمه کرده‌اند و نویسنده المیزان
آن را به «الدلیل فی صلاته المقبل الیها» تفسیر نموده است، در حالی که «ترس» ترجمه
«خوف» است که هیچ‌گونه تواضع و تکریم و احترام در معنی آن اشراب نشده است.

و. وما ابریء نفسی ان النفس لأمارة بالسوء الا ما رحم ربی... (یوسف/۵۳)

که هرگز نباشم به دل خودستا نگویم نرفتم به راه خطا
چنان که ملاحظه می‌کنید، مصراع دوم اعتراف حضرت یوسف علیه السلام به این که راه
خطا رفته و جرم مورد نظر را - نعوذ بالله - مرتکب شده است منعکس می‌کند، در حالی که
حضرت یوسف علیه السلام نفس خود را از آن روی که امر به سوء می‌کند تبرئه نکرده است.
علاوه بر این که می‌توانیم از آیه شریفه استفاده کنیم که نفس حضرت یوسف حتی امر به سوء
و ترغیب به گناه هم نکرده، زیرا عمومیت «أماره بودن به سوء» را به «الا ما رحم ربی»
تخصیص زده است و مطمئناً حضرت یوسف یکی از مصادیق نزول رحمت رب است. در
این صورت مفاد «وما ابریء نفسی» این است که نفس من هم مقتضی تمایلات غریزی
هست، اما چون رحمت خداوند شامل آن شده است امر به سوء نمی‌کند.

ز. والضحی واللیل اذا سجدی (ضحی / ۲-۱)

قسم خورد بر روز روشن خدا به آرامش شب چو آید بجا
آنچه در قرآن بدان قسم یاد شده خود «شب» است هنگامی که آرام گیرد، اما در ترجمه
سوگند به آرامش شب مطرح شده است.

ح. والشمس وضحیها والقمر اذا تلیها (الشمس / ۲-۱)

قسم باد بر شمس گیتی فروز چو روشن نماید جهان را به روز
در آیه شریفه دو سوگند وجود دارد، یکی سوگند به خورشید و دیگری سوگند به
درخشش آن؛ اما در ترجمه تنها سوگند اول مطرح شده است.

ط. و ما یغنی عنه ماله اذا تردی (اللیل / ۱۱)

نشاید رهاند ورا از عذاب چنین مال بسیار روز عذاب
اولاً کلمه «تردی» به معنی سقوط است. ثانیاً ظرافتی که در این آیه به کار رفته ترسیم لحظه
حساس سقوط است که در آن لحظات، ثروت کافر به داد او نمی‌رسد. این ویژگی در ترجمه
به وضوح منعکس نشده است.